

<div><span></span></div> <div><b>نگاه</b></div>	
<b>ایران، یک‌سال پس از جنگ ۱۲‌روزه</b>	
<div><div><span></span><span>بیست و‌سوم خرداد ۱۴۰۵، نخستین سالگرد یکی از مهم‌ترین رخدادهای تاریخ معاصر ایران است؛ روزی که حملات گسترده رژیم صهیونیستی با حیمات مستقیم آمریکا علیه ایران آغاز شد و منطقه را وارد یکی از پرتنش‌ترین دوره‌های خود کرد. جنگی که در ابتدا قرار بود طرف چند روز موازنه قدرت را تغییر دهد، اما در نهایت به نقطه‌ی تحول در دکترین امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شد. امروز، یک سال پس از آغاز آن جنگ، برپشش اصلی این نیست که چه اتفاقی افتاد؛ بلکه این است که چرا محاسبات طراحان جنگ محقق نشد و چگونه ایران توانست از دل یکی از سخت‌ترین مقاطع تاریخ خود، به مرحله‌ای جدید از قدرت بازآرندگی برسد.</span></div></div>	
<b>جنگی که قرار بود کوتاه باشد</b>	
<div><div><span></span><span>به گزارش ایرنا حمله به ایران در شرایطی آغاز شد که بخشی از محافل سیاسی و امنیتی غرب و رژیم صهیونیستی تصویری کردند مجموعه‌ای از فشارهای اقتصادی، تحریم‌های گسترده، عملیات‌های اطلاعاتی و تئورهای سال‌های گذشته مانند تئور دانشمندان هسته‌ای، توان مقاومت ایران را کاهش داده‌است. در چنین فضایی، هدف اصلی حملات ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ صرفاً وارد کردن خسارت نظامی نبود. هدف بزرگ‌تر، برهم زدن ساختار فرماندهی، ایجاد شوک روانی در جامعه، تضعیف قدرت تصمیم‌گیری کشور و در نهایت وادار کردن جمهوری اسلامی به پذیرش شرایط جدید منطقه‌ای بود. درهمان ساعات‌های نخست جنگ، شماری از فرماندهان بلندپایه نظامی و دانشمندان هسته‌ای کشور به شهادت رسیدند. دشمن تصویری کرد-حذف چهره‌های کلیدی می‌تواند باعث اختلال در ساختار فرماندهی و کاهش قدرت پاسخگویی ایران شود.</span></div></div>	
<div><div><span></span><span>این تصور البته مسیوق به سابقه بود. در بسیاری از جنگ‌های معاصر در سراسر کشورهای جهان، طرف فرماندهان ارشد توانسته بود روند تصمیم‌گیری ارتش‌ها را مختل کند. اما آنچه در ایران رخ داد، متفاوت بود. تنها چند ساعت پس از حملات اولیه، ساختار فرماندهی کشور با زساری شد. جانشینان فرماندهان معرفی شدند و عملیات‌های متقابل آغاز شد. همین مساله نخستین نشانه خطای محاسباتی مهاجمان بود.</span></div></div>	
<div><div><span></span><span>یکی از مهم‌ترین دلایل شکست اهداف دشمنان ایران در جنگ، رایبدا اشتباه محاسباتی درباره ماهیت ساختار جمهوری اسلامی دانست. طراحان جنگ تصویری کردند ایران به چند شخصیت یا چند مرکز تصمیم‌گیری محدود وابسته است و با حذف این افراد، کل ساختار چار فروپایی خواهد شد. اما تجربه جنگ نشان داد جمهوری اسلامی طی ده‌های گذشته شبکه‌ای از فرماندهان، مدیران و نیروهای آموزش دیده را تربیت کرده که قابلیت جایگزینی سریع دارند. به عبارت دیگر، دشمن با یک ساختار فردمحور مواجه نبود؛ بلکه با یک سازمان گسترده و چندلایه روبه‌رو بود که توان باز تولید قدرت در شرایط بحرانی را داشت. همین مساله موجب شد شوک اولیه جنگ، برخلاف انتظار مهاجمان، به فلج شدن دشمن منجر نشود.</span></div></div>	
<b>جامعه‌ای که فروپاشید</b>	
<div><div><span></span><span>بخش دیگری از محاسبات دشمن نیز بر فشار روانی و اجتماعی استوار بود. برخی تصور می‌کردند حملات گسترده به شهرها، مراکز حساس و زیرساخت‌های می‌تواند جامعه ایران را دچار چرخش کند و شکاف میان مردم و حاکمیت را افزایش دهد. اما در عمل اتفاق دیگری رخ داد. همان‌گونه که در دوران دفاع مقدس تجربه شده بود، جامعه در شرایط تهدید خارجی به سمت همگرایی حرکت کرد. این همگرایی حتی در بخش اصلی تبدیل شد. این موضوع یکی از مهم‌ترین متغیرهای بود که در بسیاری از تحلیل‌های غربی پیش از آغاز جنگ ۱۲‌روزه، کم‌توجه و توجه قرار گرفته بود. شاید مهم‌ترین دستاورد راهبردی ایران پس از جنگ ۱۲‌روزه، تحول در نگاه امنیتی و دفاعی کشور باشد. تا پیش از این، دکترین رسمی جمهوری اسلامی عمدتاً بر دفاع بازدارنده استوار بود. یعنی پاسخ دادن به تهدیدات پس از وقوع آن‌ها. اما تجربه این جنگ نشان داد که در محیط پیچیده امنیتی منطقه، صرفاً واکنش نشان دادن کافی نیست. در نتیجه، طی یک سال گذشته نشانه‌های روشنی از حرکت ایران به سمت بازآرندگی در پیشگاه مشاهده شده‌است. پاسخ ایران به نقض مکرر آتش پس از سوی رژیم صهیونیستی در جنوب لبنان مصداق همین موضوع است. همچنین ایران در خلیج فارس نیز دست‌ت بالا درآورد و هرگاه اساساً بر تانک‌های زرادیه‌های و فضا را توسط یک تگه هرز موز به پاسخ دندان شکن ایران و دیپلماسی بازآرندگی در قبال پایگاه‌های این کشور در منطقه روبه‌رو شده است. در این روکرد، هدف تنها پاسخ دادن به حمله نیست؛ بلکه ایجاد شرایطی است که دشمن احساساً بر تانک‌های زرادیه‌های خود را خراب کند. بازآرندگی عمدتاً بر سه پایه استوار است: نخست، افزایش توان کشف و شناسایی تهدیدات. دوم، ارتقای قابلیت‌ضربه متقابل در کوتاه‌مدت. زمان ممکن و سوم، ایجاد بیان‌باز در ذهن دشمن که هزینه هرگونه اقدام نظامی به مراتب بیشتر از امتحان آن خواهد بود. سیاست دفاعی ایران در یک سال گذشته دقیقاً در همین مسیر حرکت کرده است.</span></div></div>	
<b>جبهش ایران در توان موشکی و پهپادی</b>	
<div><div><span></span><span>همچنین جنگ ۱۲‌روزه نشان داد که قدرت موشکی همچنان مهم‌ترین ابزار بازآرندگی ایران است. در طول یک سال گذشته، اخبار متعددی از رونمایی سامانه‌های جدید موشکی افزایش برد و دقت موشک‌ها و همچنین توسعه توانمندی‌های پهپادی منتشر شده‌است. تجربه جنگ ثابت کرد که پهپادها و موشک‌ها نه تنها ابزار جنگی، بلکه ابزار سیاسی نیز هستند؛ زیرا می‌توانند عمداً از تصمیم‌گیری دشمن انفعید دهند. امروز ایران یکی از بزرگ‌ترین زرادخانه‌های موشکی منطقه را در اختیار دارد و همین موضوع به یکی از ارکان اصلی قدرت بازآرندگی کشور تبدیل شده‌است. یکی دیگر از نتایج جنگ، تغییر در مفهوم امنیت ملی بود. پیش از جنگ، امنیت عمدتاً در قالب دفاع از مرزها تعریف می‌شد اما اکنون نگاه جدیدی شکل گرفته که امنیت را در سطحی گسترده‌تر می‌بیند؛ از اقتصاد و فناوری گرفته تا زیرساخت‌های ارتباطی و انرژی. جنگ نشان داد که درگیری‌های آینده صرفاً در میدان‌های نظامی رخ نخواهد داد. حملات سایبری، جنگ شناختی، عملیات روانی و فشارهای اقتصادی نیز بخشی از آمیزان نبرد خواهند بود. به همین دلیل، ایران در سال یک گذشته تلاش کرده مفهوم امنیت را از یک موضوع صرفاً نظامی به یک مساله ملی و فراگیر تبدیل کند.</span></div></div>	
<b>تداوم قدرت، از میدان جنگ تا میز مذاکره</b>	
<div><div><span></span><span>یکی از مهم‌ترین تحولات سال گذشته، بازگشت دوباره آمریکا به مسیر گفت‌وگو بود. در ابتدای جنگ، برخی تحلیلگران معتقد بودند فشار نظامی می‌تواند ایران را وادار به عقب‌نشینی کند. اما روند تحولات نشان داد که نه تنها جنبش هدفی محقق نشد، بلکه ادامه تنش‌های بین‌المللی هزینه‌های سنگینی برای کل منطقه و حتی اقتصاد جهانی ایجاد کرد. به همین دلیل، سیاست دیپلماسی دوباره فعال شد. این موضوع از منظر تهران یک پیام‌رورش داشت؛ اینکه قدرت نظامی و قدرت دیپلماتیک دوروی یک سکه هستند. کشوری که در میدان ضعیف باشد، پشت میز مذاکره نیز امتیاز بیشتری و مذاکره‌های خلاقانه‌تر خواهد داشت. در مقابل، کشوری که در میدان قوی باشد، پشت میز مذاکره نیز امتیاز خواهد داشت. دوم اینکه تجربه واقعی، نقاط ضعف و قوت ساختارهای مختلف را آشکار کرده و زمینه اصلاح آن‌ها را فراهم آورده است. سوم اینکه جامعه ایران تجربه‌ای کم‌نظیر از مواجهه مستقیم با تهدید خارجی را پشت سر گذاشته‌است. و چهارم اینکه مفهوم بازآرندگی در سیاست دفاعی کشور جایگزین برنگ‌تراز از گذشته پیدا کرده است.</span></div></div>	
<b>مهم‌ترین درس جنگ چیست؟</b>	
<div><div><span></span><span>شاید مهم‌ترین درس جنگ ۱۲‌روزه این باشد که در جهان امروز، قدرت صرفاً به معنای داشتن سلاح نیست. قدرت ترکیبی از توان نظامی، انسجام اجتماعی، ظرفیت اقتصادی، شریکت سیاسی و توانایی تصمیم‌گیری در شرایط بحرانی است. ایران در طول این جنگ از تئوری بزرگ مواجهه شد؛ از تئوری که هزینه‌های سنگینی داشت و شهادت بسیاری را تقدیم کشورمان کرد اما در عین حال، این جنگ نشان داد که ساختار جمهوری اسلامی از ظرفیت‌های بی‌پایان برای بزرگ برخورد را است. یک سال پس از آغاز جنگ ۱۲‌روزه، منطقه غرب آسیا همچنان با پیامدهای آن مواجه است. جنگی که قرار بود موازنه قدرت را علیه ایران تغییر دهد، به نهایت به عاملی برای بازتعریف اجزای دفاعی جمهوری اسلامی تبدیل شد. امروز ایران خود را صرفاً در موقعیت دفاع از مرزها تعریف نمی‌کند. بلکه تلاش دارد با توسعه قدرت بازآرندگی، تهدیدها را پیش از تبدیل شدن به بحران مهار کند. از همین رومی‌توان گفت مهم‌ترین تحول یک سال گذشته، تغییر در دکترین کشور از دفاع واکنشی به بازآرندگی پیشگیرانه بوده‌است. شاید هنوز برای قضاوت نهایی درباره آن زود نیست. جنگ خود بود، اما یک واقعیت روشن است؛ ایران خرداد ۱۴۰۵ همان ایران پیش از جنگ نیست. کشوری که یک سال پیش هدف سنگین ترین حملات خارجی در تاریخ اخیرش بود. از تئورهای تجربه‌ای تازه، محاسبات متفاوت و راهبردی جدید به مسیر خود ادامه می‌دهد. مسیر که محور اصلی آن افزایش قدرت ملی، تقویت بازآرندگی و جلوگیری از تکرار تهدیدات گذشته است.</span></div></div>	

## توافق از موضع قدرت نه ترس

**ادامه از صفحه اول**

از همین منظر، دفاع از لبنان و مقابله با تجاوز، الزاما در تعارض با مسیر توافق قرنی غربی نیست؛ بلکه می‌تواند تضمین‌کننده جدیت و پایداری هر توافق احتمالی باشد. توافقی که بر پایه ترس یا زشتش شکل بگیرد، توافقی شکننده و موضعی است. اما توافقی که طرفین در آن، موضع قدرت و احترام متقابل وارد شوند، شانس بیشتری برای دوام و اجرا خواهد داشت. دشمن باید بداند که مقاومت همچون پیرسراصل و امنیت خود انجام نمی‌دهد. اگر این پیام به روشنی منتقل شود که تجاوز هزینه دارد و حمایت از متحندان به اصل غیرقابل معامله است، انگاه حتی مسیر مذاکرات نیز توافق‌محورتر و پابدار خواهد شد. برعکس، اگر ترس یا زشتش شکل بگیرد که می‌توان با حمله به لبنان یا هر نقطه دیگری از محور مقاومت امتیاز گرفت و در عین حال از مزایای مذاکره نیز بهره‌مند شد، نه امنیت منطقه تأمین خواهد شد و نه توافقی پابدار خواهد گرفت.

در سیاست خارجی، همان‌گونه که در زندگی فردی، احترام را بیش از هر چیز قدرت، ثبات و پایدنی به اصول، به وجود می‌آورد. توافقی که بر پایه چشم‌پوشی از دوسوان و متحندان باشد، به زود به انتها می‌رساند. توافقی که زمانی شکل می‌گیرد که طرف مقابل بداند شما برای حفظ آن، حاضر به قربانی کردن اصول بنیادین خود نیستید.

۲۳ دوشنبه ۲۵ خرداد ۱۴۰۵

۲۹ ذی الحجه ۱۴۴۷ ۱۵ ژوئن ۲۰۲۶

دومین جلسه ازسلسله نشست‌های

کنشگران اجتماعات مردمی کشورپروژه سخنوران باحضورحجت الاسلاموالمسلمین موسی پور، نماینده ولی فقیه و رئیس شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، سیدعباس عراقچی و وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و جمعی از سخنوران و فعالان میادین اجتماعات مردمی برگزار شد. به گزارش مهر در این نشست که در ادامه برنامه‌های هم‌اندیشی و تعامل با فعالان عرصه‌های مردمی برگزار شد، عراقچی با ارائه تحلیلی از تحولات منطقه‌ای، روند جنگ تحمیلی و آخرین وضعیت عرصه دیپلماسی کشور، به بررسی‌ها و دیدگاه‌های حاضران پاسخ گفت.

حجت‌الاسلام والمسلمین موسی پور در ابتدای این نشست با گرامیداشت سالگرد جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و «روز شهادی و اتحاد ملی»، یاد و خاطره شهدای این نبرد، فرماندهان، دانشمندان و مردم مظلوم کشورمان را گرامی داشت و اظهار کرد: خون یک شهیدان، سرمایه اقتدار امروز ایران اسلامی است و به برکت این ایثار و فداکاری‌ها، ایران علی‌رغم زخم‌های وارد، مقتدر، سربلند و استوار در عرصه جهانی ایستاده است.

وی با اشاره به ارزیابی‌های اندیشمندان و تحلیلگران بین‌المللی از نتایج این جنگ، تأکید کرد: واقعیت‌های میدانی و اعتراف ناظران جهانی نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران توانست در این روپارویی تاریخی، از در دشمنان تحمیل کند و معادلات قدرت را در سطح منطقه و جهان تحت تأثیر قرار دهد.

نماینده ولی فقیه و رئیس شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی بیان اینکه یکی از مهم‌ترین عوامل این موفقیت، حضور و ایستادگی صحنه حضور داشته‌اند، دشمن در تحقیر اهداف خود تا ناکام ماند، است. این تجربه تاریخی از پیروزی انقلاب اسلامی تا عبور از فتنه‌ها و جنگ‌های ترکیبی و همچنین جنگ تحمیلی اخیر، بارها و بارها به اثبات رسیده است.

وی «قدرت مردم» را مهم‌ترین پشتوانه اقتدار ملی دانست و تصریح کرد: امام خمینی(ره) با اتکا به همین ظرفیت عظیم مردمی توانستند رژیم وابسته و مودحمایت قدرت‌های جهانی را به زانو درآوند و این میراث گرانبهادر ادامه مسیر انقلاب اسلامی نیز همواره ضامن عبور کشور از بحران‌ها و توطئه‌ها بوده است. حجت‌الاسلام والمسلمین موسی پور با اشاره به نقش تعیین‌کننده اجتماعات و حضورهای مردمی در مقاطع حساس کشور گفت: در روزهای دشوار جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، ملت ایران با حضور آگاهانه و پرشور خود در صحنه تصویری متفاوت را انسجام و مقاومت ملی را بنمایش گذاشتند. حضوری که نه تنها روحیه ملی را تقویت کرد، بلکه پیام روشنی از اقتدار و وحدت ملت ایران را به جهانیان مخابره نمود.

وی افزود: امروز استمرار این حضورهای مردمی و روایت صحیح ظرفیت‌های ملی، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی به شمار می‌رود؛ چرا که دیپلماسی‌های زمانی بیشترین اثرگذار را خواهد داشت که بر پشتوانه‌ای الهه سیدمجتبی حسینی خاتمه‌ای (مدظله العالی) است.

نماینده ولی فقیه و رئیس شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی با اشاره به تداوم اجتماعات مردمی پس از شهادت قاعظظیم الشان انقلاب اسلامی خاطرنشان کرد: از نخستین ساعات اعلام این حادثه بزرگ، با فراخوان شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، ملت بزرگ ایران با حضور خود در میادین و خیابان‌ها جلوه‌ای کم‌نظیر از وفاداری، بصیرت، و لایندماری و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را به نمایش گذاشتند و این حرکت مردمی همچنان با شور و نشاط ادامه دارد.

وی برگزاری سلسله نشست‌های کنشگران اجتماعات مردمی را گامی در جهت تقویت ارتباط، به هم‌افزایی و انتقال دغدغه‌ها و مطالبات فعالان این عرصه دانست و گفت: ظرفیت‌های مردمی شکل گرفته در جنگ تحمیلی اخیر، بارها و بارها به اثبات رسیده است.

در هفته‌ها و ماه‌های اخیر، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، بارها و گاهی به شکلی غیرمستظهر، بر لزوم صلح و توافق با ایران تأکید کرده است. این چرخش لحن از فشار حاکمتری به ادبیات صلح طلبانه، برای ناظران سطحی ممکن است نشانه‌ای از یک بازنگری استراتژیک و تا میال واقع به پایان تنش‌ها تلقی شود. با این حال، تحلیل عمیق تصمیمات نبرد واقعی چه در عرصه دیپلماتیک، چه اقتصادی و چه امنیتی – نشان می‌دهد که این اصرار بر صلح، نه از موضع قدرت، که دقیقاً از سردرماندگی راهبردی آمریکا برای شکست دادن ایران سرچشمه می‌گیرد. ترامپ که تمام ابزار قدرت سخت و نرم آمریکا برای به زانو درآوردن نظام جمهوری اسلامی در دوسال اخیر به کار گرفته، اکنون با واقعیتی تلخ روبروست: ایران نه تنها فروپاشیده، بلکه با بخشی‌سازی تحریم‌ها، تثبیت توانمندی‌های نظامی و گسترش نفوذ منطقه‌ای و عملیات «فشار حاکمتری» را به گورستان راهبردهای شکست خورده آمریکا فرستاده شده‌است.

به نقل از مهر، اصرار ترامپ برای صلح با ایران نه یک تمایل، بلکه یک اجبار ناشی از شکست است. البته باید توجه داشت که این «صلح طلبی» ظاهری، کمابکان یک سناریوی فریب پیچیده را در دل خود پنهان دارد؛ سناریویی که هدف از پیشبرد آن با خیرسازای گسترده و تداوم جنگ نرم رسانه‌ای، خلق سلاح روانی ملت ایران، متهم‌سازی تهران به سنگ اندازی در مسیر صلح و مهم‌تر از همه، تلاش برای تولید و تثبیت روایت «عقب‌نشینی ایران و پذیرش همسرهای آمریکا» در افکار عمومی جهان و در داخل ایران است. لذا هشپاری و حفظ وحدت در داخل کشور در این زمینه بسیار ضروری است.

**درماندگی در برابر قلعه تسخیرناپذیر ایران؛ چرا ترامپ برای حلش التماس می‌کند؟**
برای درک اینک چرا گزینه نظامی علیه ایران به یک «ابزار شکست خورده» برای پنتاگون تبدیل شد و ترامپ ایه‌وادی درخواست صلح کشنده، باید به مؤلفه‌های بازآرندگی ایران نگاه‌ی قیق انداخت. دولت‌های اول و دوم ترامپ از سرازخروج ایران و بازآرندادن خود جنگ‌های خرمز و فزاینش تمرکز بر صادرات غیرنفتی، نه تنها از لگوناگاه تحریم‌ها عبور کرد، بلکه به گفته نهاد‌های اطلاعاتی غربی، ذخایر خود را تثبیت و حتی افزایش داد. تومم صفرشدن صادرات نفت ایران متوقف شده و ایران به تحریم ناپذیرترین» شکل ممکن صادرات نفت خود را ادامه می‌دهد. این تاب‌آوری اقتصادی، ستون فقرات راهبرد متجاوزانه ترامپ را شکسته است.

ترامپ اکنون می‌داند که تحریم و جنگ دیگر برای به سقوط کشاندن ایران کارگزیست و برای ایران شکست، به دنبال دستاوردی دیپلماتیک است تا بلکه آن را پیروزی خود جلوه دهد.

۲. توانایی در مهارت‌و توانمندی پهپادی ایران: آمریکا و متحدانش سال‌هاست که برآمده موشکی و هسته‌ای ایران را خط قرمز خود خوانده و خوشتراب نادویی با تضعیف مهلک آنها هستند. اما امروز، ایران به قدرت اول موشکی و خاورمیانه تبدیل شده‌است. موشک‌های هاپیرسونیک «فتاح» که می‌توانند از سد مدترین شهرهای سامانه‌های پادفندی عبور کنند، موشک‌های بالستیک نقطه زن «خیبرشکن» که بر دکان تمام پایگاه‌های آمریکا در منطقه را زیرتیرس قرار می‌دهد، و زرادخانه عظیم پهپادی که مراکز حساس راهبردی اسرائیل و آمریکا در جنوب خلیج فارس را هدف قرار می‌دهند، موازنه قدرت را به نفع ایران به هم ریخته است.

و جنگ اخیر، نمایش قدرت و توانایی ایران برای عبور از لایه‌های دفاعی چندگانه رژیم صهیونیستی و شرکای آمریکایی‌ای بود و این پیام را مخابره کرد که هرگونه حمله به ایران، با پاسخی چندلایه، حتمی و فلج‌کننده روبرو خواهد شد. ترامپ خوب می‌داند که برخلاف عراق و لیبی و سوریه، ایران کشوری نیست که بشودان را فاصله دور بمباران کرد و سپس منتظر سقوط و تجزیه آن شد. هزینه حمله نظامی به ایران – با در نظر گرفتن توان ایران برای انهدام زیرساخت‌های انرژی و نظامی دشمن در سراسر منطقه – چنان بالاست که

## سیاسی

سیدعباس عراقچی:

# اقتدار دیپلماسی از قدرت مردم است



دارد که در روزهای سخت، پشتوانه اصلی کشور بودند.

وی با تأکید بر اینکه دشمن در پی تحمیل اراده خود و وادار کردن ایران به تسلیم بود، گفت: هدف اصلی طراحان جنگ، شکستن اراده ملت ایران و ایجاد ترلزل در ساختار کشور بود؛ هدفی که با حضور مردم در صحنه و نمایش کم‌نظیر وحدت ملی، به شکست انجامید.

وزیر امور خارجه خاطرنشان کرد: آنچه در روزهای جنگ در خیابان‌ها، اجتماعات مردمی و صحنه‌های حمایت عمومی از کشور شکل گرفت، پیام روشنی به جهان مخابره کرد؛ یعنی مبنی بر اینکه ملت ایران در برابر فشار و تهدید، متحد و مقاوم‌تر از گذشته خواهد ایستاد.

وی افزود: این سرمایه اجتماعی و انسجام ملی، امروز یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی است و طبیعتاً هرچین پشتوانه مردمی این قدرت است. این تحولات، نقش مهمی در تبادل نظر، هم‌اندیشی و ارتقای هماهنگی میان فعالان این عرصه در استان‌های مختلف کشور نیز برقرار می‌شود.

ملی، تقویت وحدت عمومی و حمایت از اهداف و راهبردهای کلان نظام اسلامی و تبعیت از رهبر انقلاب اسلامی حضرت آیت الله سیدمجتبی حسینی خاتمه‌ای (مدظله العالی) است.

**عراقچی اقتدار دیپلماسی ایران پشانه‌های قدرت مردم استوار است**

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در این نشست با تأکید بر نقش تعیین‌کننده حضور مردم در این جنگ، و موفقیت‌های مردمی در ناکام کردن دشمنان و موفقیت‌های راهبردی کشور، گفت: آنچه تصویر واقعی قدرت ایران را به جهان نشان داد، تنها توان نظامی نبود، بلکه انسجام ملی، ایستادگی ملت و حضور آگاهانه مردم در صحنه بود؛ تصویرسازی به طور کامل در هم شکست و واقعیت قدرت جمهوری اسلامی ایران را به نمایش گذاشت.

عراقچی ضمن قدرانی از تلاش‌های شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی برای برگزاری این جلسه، یاد و خاطره شهدای این نبرد، فرماندهان، دانشمندان و مردم مظلوم کشورمان را گرامی داشت. وی با اشاره به دستاوردهای جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و جنگ اخیر علیه جمهوری اسلامی ایران، گفت: همبستگی و مقاومت ملت ایران

# ناکامی‌های راهبردی ترامپ و شکست آمریکا در برابر ایران

هرگونه تحلیل هزینه-فایده درواشتنک را به نتیجه‌ای جز «فاجعه» نمی‌رساند. این ضعف نظامی در «بازآرندگی نهاجمی»، ترامپ را ناگزیر به عقب‌نشینی از تهدید جنگ و پنهان بردن به میز مذاکره کرده است. از سوی دیگر ایران هیچ گونه مذاکره و عقب‌نشینی در ارتباط با فناوری هسته‌ای صلح آمیز خود را نپذیرفته و آمریکا با پذیرش مسکوت ماندن این مساله در تاقلم ۶۰ روزه در برابر خواست قاطع ایران سرخم کرده است.

۳. شکست ائتلاف‌سازی منطقه‌ای علیه ایران: یکی از محورهای اصلی سیاست ترامپ، تلاش برای ایجاد نوعی «ناتوی غربی» برای مهار ایران بود. او با فشار بر کشورهای عربی خلیج فارس، سعی در ایجاد یک جبهه متحد علیه تهران داشت. اما اکنون چه می‌بینیم؟ امارات، عربستان سعودی و قطر پس از مشاهده بی‌عملی آمریکا در قاع از پایگاه‌های نظامی و زیرساخت‌های خود، وادار به چرخش تاریخی شدند.

کویت و بحرین نیز هزینه‌های درناک سرکشی و همراهی با ترامپ را کمابکان می‌پردازند و عمان نیز از مزایای سیاست یکجمنانه رهبران خرمنند خود بهره مند نبوده است. عربستان سیاست تنوع بخشی به شرکای امنیتی و نظامی خود را با افزایش همکاری با مصر و ترکیه و عبره پیگیری می‌کند و به تعاملات امنیتی و اقتصادی با یازنگرانی جدید گسترده روی آورده است.

امارات نیز برای مقابله با آتش خشم ایران مجبوره به اعزام هیاتی به تهران شده است. این انزوای آمریکا در منطقه‌ای که روزگاری حیاط خلوتش بود، نمود دیگری ترامپ اکنون در موقعیتی قرار دارد که متحندان سنتی اش در خلیج فارس، نه تنها خنجا خنجر به رویارویی با ایران نیستند، بلکه «نظم ایران محور» در تنگه هرمز و خلیج فارس را به عنوان تضمین‌کننده ثبات بازار انرژی پذیرفته‌اند.

۴. قدرت نمایی ایران در میدان نبرد نامتقارن در همکاری با متحندان: ایران از توانی آمریکا در منطقه‌ای که در سراسر منطقه درس‌های تاریخی فراوانی به آمریکا و اسرائیل داده‌اند. حزب الله قهرمان در لبنان با استفاده از فناوری‌های نوین و شور حماسی و تسلیم هیونیت‌های بزدل را عاجز کرد و ایران نیز ثابت کرد که در دفاع از این شیردلان از حمله موشکی گسترده به صهیونیست‌ها هیچ‌چیز ایایی ندارد.

آمریکا در تمام این سال‌ها در یمین در برابر انصاالله، که باب‌المندب و دریای سرخ را در صورت تمایل مسدود خواهد کرد، کمابلاً علیرغم دانسته‌است. در عراق، تلاش برای تضعیف و خلع سلاح دوستان ایران با طیاره‌های انگیزی‌ها و برخی رفتارهای منافقانه و شیطنت‌های فراوان به هیچ نتیجه‌ای نرسیده و توانایی نیز در سوریه با مشاهده قدرت نرم و سخت ایران جرات دست اندازی به لبنان را ندارد و درخواست‌های فراوان ترامپ در این زمینه را بی‌پاسخ گذاشته‌است.

ترامپ به خوبی می‌داند که نمی‌تواند بدون پرداخت هزینه‌های وحشتناک اقتصادی و انسانی و بی‌آبرویی تمام عیار، درگیری‌های غرب آسیا را مدیریت کند. مجموع این شکست‌ها – از اقتصادی گرفته تا نظامی و دیپلماتیک –

ترامپ را به این نتیجه رسانده که «شکست ایران» با الیزاسنتی ممکن نیست. بنابراین، او به ناکتیک صلح طلبی پناه برده، اما این ناکتیک، برای مدت طولانی توسط وی که کاربرد نخواهد شد.

**التماس برای صلح؛ کالبدشکافی یک سناریوی سه وجهی برای متهم‌سازی و روایت‌سازی**

اصرار ترامپ برای صلح به معنای کنار گذاشتن گزینه‌های خصمانه علیه ایران نیست. دستگاه امنیتی، اطلاعاتی و رسانه‌ای آمریکا همه‌اکنون در حال اجرای یک طرح سه لایه است که در ظاهر مبنی بر صلح‌خواهی است، اما در باطن به دنبال «بهره‌گیری از اصل فالفگنکری مجدد» و نهایتاً تحمیل ترس به ایران است.

**لایه اول: صلح طلبی به مثابه سکوی پرش برای غافلگیری نظامی**
این یک اصل کلنه در ژانلایلیتیک آمریکایی است: «برای فریب دشمن، ابتدا او را مطمئن خاطر ده». تا زمانی که تنش‌ها در اوج قرار دارد، سیستم‌های پادفندی و امنیتی ایران در بالاترین سطح هوشیاری قرار دارند و هرگونه تحرک نظامی آمریکا و اسرائیل نیز زیر ذره بین است. ترامپ با بیامبران تبلیغاتی، صدورندای صلح طلبی قلابی و متهم کردن جناح‌های داخلی آمریکا به «جنگ طلبی»، به دنبال کاهش سطح هوشیاری راهبردی در تهران است.

هدف، ایجاد یک پنجره غافلگیری است؛ آن‌هم در شرایطی که آمریکا همچنان

سال چهل و یکم و روز پنجشنبه ۱۴۰۸ شماره ۱۱۴۰۸

عراقچی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به تحولات امنیتی منطقه اظهار داشت: تجربه جنگ اخیر نشان داد که امنیت منطقه نمی‌تواند بر پایه حذف یا نادیده گرفتن ایران شکل بگیرد. کشورهای منطقه به تدریج به این واقعیت رسیده‌اند که امنیت پایدار، توسعه اقتصادی و ثبات منطقه‌ای تنها در سایه همکاری، تفاهم و در نظر گرفتن منافع مشترک همه کشورهای منطقه از جمله جمهوری اسلامی ایران امکان پذیر است.

وی افزود، ساختار جدید امنیتی منطقه نیازمند مشارکت همه کشورهای منطقه و نگاه مبتنی بر همکاری جمعی است جمهوری اسلامی ایران همواره بر این رویکرد تأکید داشته است.

در بخش پایانی این نشست، حجت‌الاسلام والمسلمین محذازدی خواه نماینده مجلس شورای اسلامی، آیت‌الله محمدحسن اختری، دبیرکل سابق مجمع جهانی اهل بیت(ع)، حجت‌الاسلام والمسلمین میرزا محمدی، استاد حوزه علمیه حجت‌الاسلام والمسلمین رستمی، نماینده مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، حجت‌الاسلام والمسلمین سعیدی، نماینده ولی فقیه در ستاد کل نیروهای مسلح، حجت‌الاسلام والمسلمین استوار، پژوهشگر کارشناس مسائل فرهنگی مسائل سیاسی و تاریخ اسلام و فؤاد ایزدی، استاد دانشگاه و تحلیلگر مسائل بین‌الملل،

دیدگاه‌ها، دغدغه‌ها و پرسش‌های خود را درباره تحولات منطقه‌ای، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، پیامدهای جنگ تحمیلی اخیر و نقش ظرفیت‌های مردمی در حمایت از منافع ملی مطرح کردند و سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه، ضمن پاسخگویی به سوالات حاضران، به تبیین برخی ابعد راهبردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخت.

گفتنی است سلسله نشست‌های کنشگران اجتماعات مردمی با هدف تبادل نظر، هم‌اندیشی و ارتقای هماهنگی میان فعالان این عرصه در استان‌های مختلف کشور نیز برگزار می‌شود.



نهایی شدن توافق مجبوره به عقب‌نشینی از جنوب لبنان بوده و از سوی دیگر ترتیبات امنیتی ایرانی در تنگه هرمز دائمی شده و سیاست محاصره دریایی ایران رازی و ورشکسته کردن اقتصاد کشور شکست خورده، به خصوص که ایران با مدیریت نیک هر می‌تواند از نادر کشوری که از تحریم‌های آمریکا علیه ایران بدیدت کند که به شکلی مناسب انتقام بگیرد.

ترامپ رسماً استراتژی «فشار حاکمتری» را که با هدف فروپاشی اقتصادی ایران طراحی شده بود، شکست خورده می‌بیند. این مقامات ایران هستند که باید پیشدستانه، روایت واقعی را به جهان مخابره کنند: «ترامپ شکست خورده و حالا به دنبال راهی برای فرار از باتلاقی است که خود ایجاد کرده است.» اطلاع‌رسانی سریع، شفاف و هوشمندانه می‌تواند این توطئه روایی را خنثی کند. لذا برخلاف تلاش مدبوحانه برخی رسانه‌های غربی، تحلیلگران مستقل و بازیگران مطرح بین‌المللی به این امر جع بندی رسیده‌اند که در این ماراتن نفس گیر، این ایران است که پیروز میدان بوده است. نشانه‌های این پیروزی دیگر برکت نیست می‌توان آن را در وادادگی آمریکا در برابر خواسته‌های کلیدی اش مشاهده کرد.

دکترین امنیتی ایران در خلیج فارس مبنی بر اینکه «امنیت خلیج فارس صرفاً توسط کشورهای منطقه و ناؤگان یگانه تأمین می‌شود.» امروز به یک اصل پذیرفته شده در میان همسایگان تبدیل شده است. ائتلاف‌های دریایی آمریکا شکست خورده و کشورهای منطقه و جهان مجبور شده‌اند برای حفظ امنیت نفت‌کش‌های خود به ایران تکیه کنند. این یک تغییر پارادایم تاریخی در ژئوپلیتیک خلیج فارس به نفع ایران است.

در این دیندگی خلیج فارس بی‌تغیر ایران است. مقاومت بیان خود را حفظ خواهند کرد. کشورها مختلف، مجبوره به پذیرش واقعیت قدرت منطقه‌ای ایران و کنار آمدن با آن شده‌اند. این نظم نوین، ثمره خون شهدای مقاومت و تدابیر راهبردی ایران تحت زعامت رهبری شهید و جانشین صالح ایشان است که ترامپ چاره‌ای جز پذیرش آن ندارد. در این مقطع حساس، وظیفه دستگاه دیپلماسی، رسانه‌های داخلی و تحلیلگران ایرانی، تبیین بدون وقفه این واقعیت است: ایران قدرت برتر میدان است و ترامپ، راهبردمدانه‌ای است که به دنبال دری برای خروج ایرنومند است از بحران می‌گردد.

مقامات ایران باید با اطلاع‌رسانی فوری، پیشدستانه و هوشمندانه، روایت دروغین پذیرش شروط ترامپ از سوی ایران را «در نقطه خفه کنند. باید به جهان نشان دهیم که آنچه امروز در حال وقوع است، نه صلح با یک قدرت شکست‌ناپذیر، که عقب‌نشینی تاکتیکی یک امپراتوری رو به زوال در برابر صلح یولادین اراده ملت ایران است.

محور واقعی زمانی محقق می‌شود که دشمن، قدرت و عزت ایران را بدون هیچ پیش‌شرطی پذیرفته باشد، نه آنکه با پوشش صلح طلبی، به دنبال تحمیل اراده شکست خورده خود باشد. صلح واقعی قطعاً با مقاومت ملت میدان است و ترامپ، راهبردمدانه‌ای است که به دنبال دری برای خروج ایرنومند است از بحران می‌گردد.